



آیا پول در بلندمدت مهم است؟

بررسی تأثیر بودجه مدارس بر موفقیت تحصیلی^۱

محمد امین اسپروز | جاشوا هایمن^۲
ترجمه و تلخیص | نویسنده



شده است. در نیمه دوم قرن بیستم، به منظور کاهش نابرابری آموزشی، اصلاحات اقتصادی مدارس با هدف یکسان سازی بودجه آن‌ها در مناطق مختلف آغاز شد. بر اساس این اصلاحات بودجه مدارس مناطق مرده و فقیر یکسان شد، اما مشخص نیست که این یکسان سازی، باعث موفقیت بیشتر دانش آموزان شده باشد. برخی پژوهش‌ها در این دوره، به تأثیرات مثبت این اقدام اشاره دارند و برخی دیگر، این اقدام را بی تأثیر می‌دانند. همچنین، تمامی این پژوهش‌ها، موفقیت دانش آموز را در مدرسه بررسی کرده‌اند و هیچ کدام بر موفقیت بلند مدت متمرکز نیستند.

در این مقاله، تأثیر بلندمدت افزایش مخارج مدرسه بررسی خواهد شد و از طریق بررسی مناطق مختلف ایالت میشیگان که اصلاحات اقتصادی مدارس را از سال ۱۹۹۴ میلادی آغاز کرده، بر بازه زمانی طولانی متمرکز است. داده‌های دانش آموزان در

در این مقاله، تأثیر افزایش مخارج دبستان‌ها بر قبولی دانش آموزان در دانشگاه و میزان موفقیت آنان در به پایان رساندن تحصیلات عالی بررسی خواهد شد. در ایالات متحده، هزینه مدارس شامل دبستان و دبیرستان ۴/۳ (چهار و سه دهم) درصد از بودجه تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است. با وجود بودجه عظیمی که دولت در اختیار مدارس قرار می‌دهد مشخص نیست مبالغی که آن‌ها هزینه می‌کنند بر موفقیت دانش آموزان تأثیر دارد یا خیر.

برای بررسی این موضوع، دو چالش وجود دارد؛ اول اینکه هیچ متغیر مشخصی برای بودجه مدارس مختلف موجود نیست. دومین چالش، فقدان داده کاربردی از وضعیت تحصیلی دانش آموزان در بلند مدت، به خصوص پس از دبیرستان، است. پس از اصلاحات اقتصادی مدارس برطرف

مناطق مختلف شهری و روستایی، از دوره دبستان تا تحصیلات عالی بررسی شده است.

تا پیش از سال ۱۹۹۵، بودجه مدارس از طریق مالیات‌های محلی تأمین می‌شد؛ هیچ محدودیتی برای درآمد مناطق وجود نداشت و به همین دلیل، بودجه مدارس در مناطق مختلف بسیار نابرابر بود. در سال ۱۹۹۵^۲، قانونی در ایالت میشیگان تصویب شد که به موجب آن، بودجه مدارس به جای مالیات‌های محلی، از طریق ایالت تأمین شود.

این قانون همچنین فرمول تخصیص بودجه به مدارس را نیز تغییر داد. مقرر شد که بودجه مدارس در هر منطقه براساس تعداد دانش‌آموزان هر مدرسه تعیین شود و هیچ مدرسه‌ای اجازه نداشتند باشد کمتر از این مقدار بودجه را هزینه کند. همچنین جز در موارد خاص، هیچ مدرسه‌ای نتواند بودجه خود را از راه دیگری افزایش دهد. هدف این قانون این بود که تا دهه اول قرن ۲۱ میلادی، در مناطق مختلف، به خصوص در مدارس مناطق محروم، برابری ایجاد شود؛ بدون اینکه بودجه مناطق مرفه کاهش پیدا کند. به عبارت دیگر، بودجه مدارس در مناطق مرفه تغییر محسوسی نداشت اما بودجه مدارس مناطق محروم افزایش چشمگیری یافت.

در این مقاله، از داده‌های دانش‌آموزانی که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ در مدارس دولتی در کلاس چهارم ابتدایی بوده‌اند، استفاده شده و روند تحصیلی آن‌ها تا پس از دوره دبیرستان بررسی گردیده است. مهم‌ترین عاملی که بررسی شد، این بود که آیا دانش‌آموزان تا ده سال پس از کلاس چهارم در دانشگاه ثبت‌نام کرده‌اند یا خیر، و آیا توانسته‌اند تا ۱۴ سال پس از سال چهارم ابتدایی، تحصیل در دانشگاه را به اتمام برسانند. این داده‌ها براساس منطقه دانش‌آموزان نیز بررسی شد.

داده‌های ۸۳۴ و ۷۴۶ دانش‌آموز در ۵۱۸ مدرسه مورد بررسی قرار گرفت. به‌طور میانگین ۱۸ درصد از این دانش‌آموزان سیاه‌پوست بودند. این درصد در مناطق محروم به ۲۴ درصد می‌رسید. و در مناطق مرفه ۳ درصد بود. که نشان می‌دهد مدارس که در سال ۱۹۹۴ بودجه کمتری داشته‌اند بیشتر در مناطق روستایی و شهرهای کوچک واقع شده بودند و مدارس که بودجه بیشتری داشته‌اند، بیشتر در شهرهای بزرگ بوده‌اند. در این تحقیق، اطلاعات بودجه مدارس به دو بازه زمانی تقسیم شد: بازه اول از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳، که طرح اصلاحات اقتصادی مدارس باعث بیشترین میزان افزایش بودجه در مدارس مناطق محروم شده بود، و بازه ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ که مناطق مختلف به طور کامل به برابری اقتصادی رسیده بودند.

برای درک بهتر این موضوع که افزایش بودجه چه تأثیری بر موفقیت بلند مدت دانش‌آموزان دارد، ابتدا باید مواردی را شناسایی کرد که افزایش بودجه مدارس صرف آن‌ها می‌شود. هزینه‌ها را می‌توان به دو گروه آموزشی و غیر آموزشی تقسیم کرد. هزینه‌های غیر آموزشی شامل ابزارهای پشتیبانی آموزش، امور اداری، عملیات و نگهداری و نیز حمل و نقل می‌باشد. به‌طور میانگین، افزایش یافته، حدود ۵۰ درصد خرج موضوعات آموزشی و مابقی خرج موضوعات غیر آموزشی می‌شود. این داده‌ها نشان می‌دهد در مناطقی که بودجه محدودتری در اختیار داشته‌اند تمرکز هزینه بر آموزگاران و موضوعات آموزشی بوده و در مناطقی که بودجه آزادتری داشته‌اند، این بودجه بیشتر برای موضوعات غیر آموزشی هزینه شده است.

در این تحقیق، بودجه مدارس برای دانش‌آموزان، از شروع کلاس چهارم تا پایان کلاس هفتم مورد بررسی قرار گرفته است. به طور میانگین، برای هر دانش‌آموز در سال ۲۰۱۲ از کلاس چهارم تا کلاس هفتم، ۷۹۷، ۹ دلار هزینه شده است. در طول سال‌های تحقیق، این عدد به‌طور میانگین به ۱۰۰۰ دلار رسیده؛ یعنی حدود ۱۰ درصد افزایش داشته است.

با بررسی داده‌های موجود، مشخص شد که افزایش مخارج مدرسه به ازاء ۱۰۰۰ دلار برای هر دانش‌آموز برای کلاس‌های چهارم تا هفتم، می‌تواند ورود به دانشگاه را به‌طور میانگین ۷ درصد افزایش دهد. همچنین، میزان موفقیت در به پایان رساندن تحصیلات عالی را ۱۱ درصد افزایش داده است. این افزایش بودجه باعث کاهش تعداد دانش‌آموزان هر کلاس شده و به‌عبارت دیگر، نسبت دانش‌آموز به معلم افزایش داشته است. براساس تحقیقات دیگری که در این زمینه انجام شده^۴، افزایش بودجه بیشتر از این حد ممکن است تأثیر چشمگیری بر این نتایج نداشته باشد.

* پی‌نوشت‌ها

۱. این متن ترجمه مقاله "Does Money matter in the long Run? Effects of School Spending on Educational Attainment" است که در سال ۲۰۱۷ در مجله "Journal Economic Policy" چاپ شده است.
۲. Joshua Hyman
۳. این قانون از سال ۱۹۹۳ روند تصویب را آغاز کرد و در سال ۱۹۹۵ تصویب شد.
۴. dynarski, Susan M., Steven W. Hemeit, And Joshua M. Hyman. 2015. «The Missing Manual: Using National Student Clearing-house Data to Track Postsecondary Outcomes.» Educational Evaluation and Policy Analysis 37 (1s): s53 _ 79.

داده‌ها می‌توان به دو گروه آموزشی و غیر آموزشی تقسیم کرد. هزینه‌های غیر آموزشی شامل ابزارهای پشتیبانی آموزش، امور اداری، عملیات و نگهداری و نیز حمل و نقل است